



تاریخ انتشار: ۰۱ آبان ۱۳۹۶ - ۱۷:۰۱ - October 2017 23

کد خبر: ۶۲۹۸

فقه سیاسی/ استاد ایزدهی/ جلسه 2 (95-96)

خطاب قرآنی لزوم اطاعت از اولوالامر از سنخ حکومتی و ابلاغ اجتماعی است

وسائل - حجت الاسلام والمسلمین ایزدهی با بررسی دلالت آیه شریفه 59 سوره نساء بر اطاعت از ولی فقیه، غیر مسلمانان در جامعه اسلامی را بر اساس قاعده تغلیب و اشتراک در تکلیف، همچون مسلمانان ملزم به اطاعت از حاکم اسلامی دانست و گفت: خطاب در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» خطاب به جامعه است و طبعاً در این صورت تنها اگر همه مردم از حاکم اطاعت کنند می توان گفت اطاعت محقق است؛ یعنی هرگاه خطاب به جامعه بما هو جامعه تعلق گرفته باشد، در این صورت چه شخص مؤمن باشد و چه غیر مؤمن، خطاب به او تعلق می گیرد؛ خطاب «اطيعوا» از سنخ خطاب به جامعه بما هو جامعه است و فقط از سنخ خطاب به افراد مؤمن جامعه ایمانی نیست.

به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی وسائل، حجت الاسلام و المسلمین سید سجاد ایزدهی روز شنبه یکم آبانماه 1395 در دومین جلسه درس خارج فقه سیاسی در مدرسه عالی فیضیه قم بررسی بعضی خطابات قرآنی و دلالت آن بر لزوم اطاعت از حاکم اسلامی را ادامه داد و در این زمینه مطالبی بیان داشت که ذیلاً گزیده اهم آن تقدیم می شود.

1. خطاب قانونی به خطابی گفته می شود که فراگیر بوده و عموم مخاطبین را شامل می شود، در این نوع خطاب بیان حکم به صورت ابلاغ عمومی است و نه ابلاغ فرد به فرد؛ با این حال عذر افراد نسبت به عدم وصول حکم پذیرفته نیست و ابلاغ عمومی حکم در حق همگان حجت است.

2. خطابات قرآنی تنها خطاب به مسلمین زمان نزول نیست؛ بلکه تمامی مسلمین در همه ادوار مخاطب کلام الله هستند؛ چنانکه در بسیاری از روایات، امام علیه السلام بر وجه استفهام انکاری می فرماید: «أما سمعت قول الله عزَّ و جلَّ».

3. کلام یک متکلم:

الف. نسبت به غائبین، خطاب محسوب نمی شود.

ب. نسبت به حاضرین:

1. گاهی به نحو قضیه خارجی است؛ در این صورت مخاطب آن عموم نیست.

2. گاهی به نحو قضیه حقیقی است. این صورت خود دو حالت دارد:

2.1. اگر بیان و خطاب متکلم از سنخ قانون باشد در این صورت خطاب عمومیت دارد.

2.2. اگر خطاب صادره از سنخ قانون نباشد عمومیت آن نسبت به همه افراد نیست و تنها افراد همفکر را شامل است.

4. خطاب آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» که دلالت بر لزوم اطاعت از حاکم اسلامی دارد شامل غیر مؤمنین نمی شود؛ به دلیل اینکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در قرآن کریم در تمام موارد استعمال آن تنها خطاب به مؤمنین است و وجهی برای استثناء آیه شریفه مذکور از سایر موارد وجود ندارد.

5. با وجود عدم خطاب آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نسبت به غیر مؤمنین، بنا به قاعده تغلیب و قاعده اشتراک در تکلیف، این بخش از جامعه نیز ملزم به اطاعت از حاکم اسلامی هستند.

تقریر دومین جلسه فقه سیاسی استاد ایزدهی در ادامه تقدیم می‌گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيب الهنا وطبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى
محمد؛ اللهم صل على محمد و آل محمد.

مقدمه

در این باره بحث می کردیم که آیا خطاب وارد در برخی آیات شریفه اختصاص به مخاطب دارد یا خیر؟ گفتیم در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ» اگرچه خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است اما به آن حضرت اختصاص ندارد و دیگران را نیز شامل می شود. در بحث خود در پی شناخت متعلق خطاب در آیات شریفه بودیم؛ به عنوان مثال در «إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ» آیا متعلق خطاب فقط موجودین هستند یا افراد غائب اعصار بعد همچون ما را نیز شامل می شود؟ دیدگاه دو تن از علماء را در این زمینه مطرح کردیم و نقد و نظر خود را نیز بیان کردیم.

محل بحث: خطابات قانونی

نکته اینکه اگرچه بحث را بر آیات شریفه متمرکز کردیم؛ اما باید دانست محل اصلی بحث خطابات قانونی است و نه آیات کریمه. در خطابات قانونی، قانونگذار مخاطب خود را حاضر فرض می کند و از این رو ابلاغ فرد به فرد و عینی را لازم نمی بیند؛ به عنوان مثال در صدا و سیما به طور عمومی اعلام می شود که در فلان تاریخ سرشماری است، شرکت کنید.

در این میان اگرچه ممکن است کسی که از رادیو و تلویزیون استفاده نمی کند خبر به او نرسد؛ اما چنین فرض می شود که این مشکل حادث شده از جانب خودش بوده است و قانونگذار وظیفه خود را نسبت به اعلام عمومی قضیه انجام داده است.

مثال دیگر اعلام ثبت شرکت در روزنامه رسمی است؛ کسی که درخواست تأسیس شرکت دارد موظف است آگهی ثبت شرکت خود را در روزنامه رسمی منتشر کند؛ با این داعی که معارض احتمالی معلوم شود.

رجوع روزانه به روزنامه رسمی و خواندن تک تک آگهی ها امر غریبی نیست؟ چه کسی چنین کاری انجام می دهد؟! با این وجود می دانیم که با ثبت شرکت در روزنامه رسمی شخص متقاضی قانوناً به وظیفه خود نسبت به اعلام عمومی عمل کرده است؛ با این پیش فرض که خطاب و مخاطبه لازم برای اعلان و اعلام محقق شده است و همچنین ایصال هم انجام شده است؛ بر مبنای آنچه آمد می گوئیم در خطابات قانونی ابلاغ فرد به فرد نسبت به همه افراد جامعه شرط نیست بلکه ابلاغ عمومی کفایت می کند.

دوگانگی خطاب

خطاب گاهی از سنخ قضایای حقیقی است و گاهی از سنخ قضایای شخصی؛ اگر خطاب از سنخ قضیه شخصی و خارجی بود، مخاطب شخص یا اشخاص خاصی است و برای صدق خطاب نسبت به دیگران قرینه لازم است؛ مانند خطاب «فأما الیتیم فلاتقهر» از قرآن کریم و نیز خطاب «طلاب مدرسه ما فردا در مراسم همایش شرکت کنند».

در قضایای حقیقی بر عکس قضایای شخصی، خطاب به شخص خاصی اختصاص ندارد و نسبت به عموم صادق است و اگر بخواهیم فرد یا افراد خاصی استثناء باشد و یا اینکه خطاب آن را به افراد خاصی محدود کنیم باید دلیل داشته باشیم.

خطابات قرآنی؛ عمومیت خطاب

روایات بسیاری از معصومین علیهم السلام وارد شده است که در آن امام معصوم علیه السلام خطاب به یک شخص فرموده است: «أما سمعت قول الله عزّ و جلّ...»^[1]؛ این احتجاج و استفهام انکاری امام علیه السلام دلالت بر آن دارد که قول خدای متعال تنها به مخاطبین زمان نزول اختصاص ندارد؛ بلکه ما نیز مخاطب کلام الله هستیم؛ در اینجا مراد امام علیه السلام قاعده اشتراک در تکلیف نیست بلکه به «سمع» تصریح فرموده است، یعنی مخاطب مراد است.

خطاب در قوانین موضوعه

از آنچه گفتیم وجه تفاوت خطاب خطباء و مؤلفین کتب با قوانین عامه معلوم می شود؛ چون خطباء فقط افرادی را که در مجلس آنها حاضر هستند مخاطب خود قرار می دهند و نویسندگان کتب نیز - اگر کلام مکتوب آنها را از قبیل خطاب بدانیم - مخاطبشان فقط خوانندگان کتاب در همان عصر است.

این در حالی است که **قوانین عامه مخاطبین آنها تمامی افراد جامعه در همه اعصار هستند، وجه تفاوت دیگر** این دو این است که در خطاب خطباء و مولفین کتب قاعده اشتراک به کار می رود حال آنکه در خطباتی که به لحاظ جعل قانون صادر می شود چنین نیست.

گستره خطابات

(1) بیان یک نظر

بعض علماء چنین می گوید:

«فلا يشك أحد أن الخطباء في كلِّ قومٍ و لسانٍ يخطبون الناس في مقام الإرشاد و الهداية في أمور المعاش و المعاد و لا يكون مقصودهم من خطابهم و بياناتهم الحاضرين دون الغائبين أو المشافهين فقط بل مقصودهم في أمثال هذه كلُّ من كان أهلاً للخطاب من الحاضر و الغائب و الموجود و من سيأتي و كذلك العلماء العظام و الفلاسفة يؤلّفون الكتب و الصّحائف و يدوّنون الدفاتر و الزبر في كلِّ علمٍ و فنٍّ و حكمةٍ و يخاطبون في مؤلفاتهم بتناسبٍ يقتضيه المقام و ليست خطاباتهم مقصوراً بمن كان موجوداً في زمانهم بل من كان له أهلية الخطاب إلى يوم القيامة و كذلك المفتّنون من السلاطين و غيرهم يقنّنون و يخاطبون في محاوراتهم و كتبهم و كلِّ أحدٍ يعلم و يفهم من صغيرهم و كبيرهم أنّ مقصودهم من الخطاب ليس المشافهين حسب فخطاب الله في فرقانه المجيد و كلام الله المنزل من العزيز الحميد لإرشاد الناس إلى يوم النشور ليس محصوراً بالموجودين في زمن النزول و المشافهين و ليست حجّيته لغيرهم من باب الظن أو من باب اشتراك التكليف»^[2]

(ترجمه مضمونی با اندک اختصار: **خطباء** در هر قوم و با هر لسانی مردم را در مقام ارشاد و هدایت نسبت به امور معاش و معاد مخاطب می سازند و جای شک برای کسی باقی نمی ماند که مقصود آنها از این خطاب تنها حاضرین و مشافهین نیستند بلکه مقصود آنها در مثل چنین خطباتی تمام افرادی است که اهلیت چنین خطابی را دارند؛ حاضر باشند یا غائب، بالفعل موجود باشند یا در آینده بیایند.

علماء عظام و فلاسفه نیز که کتابی را در زمینه شاخه ای از علم و فن و حکمت تألیف می کنند مخاطب آنها تنها افراد موجود در زمان خودشان نیست بلکه مخاطب آنها هر کسی است که اهلیت چنین خطابی را تا روز قیامت داشته باشد. به همین ترتیب در مورد **قانونگذاران** نیز که به قانونگذاری می پردازند هر کسی می داند که مقصود آنها تنها مشافهین نیستند.

بر این اساس باید گفت **کلام الله نیز که برای ارشاد مردم تا روز قیامت نازل شده است، مخاطبین آن تنها محصور به موجودین در زمان نزول نیست و حجّیت آن نسبت به افراد غیر حاضر از باب ظن یا اشتراک در تکلیف نیست)**

(2) نقد نظر؛ دیدگاه مختار

الف. «فلا يشك أحد أن الخطباء ... لا يكون مقصودهم من خطابهم و بياناتهم الحاضرين دون الغائبين أو المشافهين فقط بل مقصودهم في أمثال هذه كل من كان أهلاً للخطاب من الحاضر و الغائب و الموجود و من سيأتي و كذلك العلماء العظام ... ليست خطاباتهم مقصوراً بمن كان موجوداً في زمانهم بل من كان له أهلية الخطاب إلى يوم القيامة».

در نقد این نظر باید گفت این دیدگاه البته پذیرفته نیست. نمی توان پذیرفت که خطباء و مؤلفین کتب روی سخنشان همه افراد اعم از حاضر و غائب و موجود فعلی و موجود در آینده است. معنای این ادعا این است که اگر ما الان در این جلسه حرف می زنیم با همه عالم داریم حرف می زنیم! خطباء اصلاً خطاب عام فراگیر ندارند و خطاب آنها متوجه افراد خاص است.

اینکه گفته شود: «فی کلّ ... لسان»، بدین معنا خواهد بود که اگر خطباء به زبان عربی هم سخن بگویند باز هم خطابشان متوجه ما خواهد بود. **سنخ کلام و بیان متفاوت از سنخ قانون است و این قانون است که خطاب آن عام و فراگیر است.**

به عقیده ما کلام و بیان صادره اصلاً خطاب به غائبین نیست و نسبت به غائبین، خطاب صدق نمی کند و اما نسبت به غیر غائبین خطاب دو گونه است: به نحو قضیه خارجیّه و به نحو قضیه حقیقه. خطاب به نحو قضیه خارجی مخاطب آن افراد خاص است؛ اما در خطاب به نحو قضیه حقیقی باید ملاحظه کرد آیا صدور کلام و خطاب بر سنخ قانون است یا خیر.

اگر از سنخ قانون باشد خطاب شامل همه افراد در همه اعصار است و همه مخاطبین را شامل می شود. اگر خطاب صادره از سنخ قانون نباشد اگرچه ممکن است عام باشد ولی دامنه فراگیری آن محدود است و حداکثر شامل افرادی می شود که از حیث فکری تفکر مشابه یکدیگر دارند.

ب. «و كذلك المقتنون من السلاطين و غیرهم یقتنون و یخاطبون فی محاوراتهم و کتبهم و کل أحد یعلم و یفهم من صغیرهم و کبیرهم أنّ مقصودهم من الخطاب لیس المشافهین»؛ این نظر بر خلاف بیان قبلی صحیح است؛ در اینجا هر کسی می تواند دریابد که مخاطب قانونگذاران تنها مشافهین نیستند.

خطابات قرآنی؛ اختصاص یا عمومیت؟

در خطابات قرآنی همچون «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» آیا خطاب تنها اختصاص به مؤمنین دارد؟

اگر خطاب در آیه شریفه و امر اطاعت تنها متوجه مؤمنین باشد در این صورت نمی توان آن را یک خطاب حکومتی دانست چون غیر مؤمنین که در کنار مؤمنین و تحت یک حکومت زندگی می کنند اجازه سرپیچی و عدم تمکین نسبت به قوانین را خواهند داشت؛ در این حالت امر به اطاعت مقید به ایمان خواهد شد و به عبارت دیگر آیه شریفه چنین معنا می دهد که «چون ایمان داری باید اطاعت کنی».

در مورد تعمیم خطاب به غیر مؤمنین دو بیان می توان داشت:

الف. بنا به **قاعده تغلیب** خطاب متعلق به جمیع می شود و به عبارت دیگر تغلیب موجب می شود خطاب وارده تبدیل به خطاب فراگیر قانونی شود.

ب. خطاب «اطیعوا...» فراگیر نیست، اختصاص به مؤمنین دارد و شامل کفار نمی شود. بر این مبنا چون در خطاب رو در رویی وجود دارد خطاب «اطیعوا» اصلاً به کفار متوجه نیست؛ لیکن در اینجا **یک متمم** وجود دارد و آن اینکه نمی توان در جامعه دو حاکم و دو گونه قانون داشت بلکه قوانین و تکالیف برای همه مشترک است. بر این اساس، اقلیت موظف است به همان قانونی که برای اکثریت وضع می شود تمکین کند.

در بسیاری از خطابات قرآنی، خطاب وارده اساساً از سنخ حکومتی نیست؛ مانند «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» که وجوب صیام شامل کافر نمی شود. در اینجا نمی توان قاعده اشتراک در تکالیف را جاری کرد چون اساساً بحث تکالیف حکومتی نیست.

خطابات بسیاری از این قبیل در قرآن وارد شده است که **تنها اختصاص به مؤمنین دارد**؛ همانند «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» و «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» و «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِیَّاهُ تَعْبُدُونَ» و «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» و موارد دیگر که در مجموع بالغ بر 79 مورد خطاب می شود.

عدم عمومیت خطاب «اطیعوا...»

به دو دلیل می توان گفت خطاب آیه شریفه «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» عمومیت ندارد و شامل غیر مؤمنین نمی شود:

الف. اگر قرار بر این باشد که خطاب «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شامل همه مردم حتی غیر مؤمنین نیز بشود می بایست تمامی خطابات فوق را خطاب قانونی دانست در حالیکه می دانیم چنین نیست.

ب. نمی توان گفت در میان تمام خطابات قرآنی – بالغ بر هفتاد و نه مورد – تنها در یک مورد خطاب از سنخ خطاب قانونی است و در سایر موارد اختصاص به مؤمنین دارد؛ بنابراین معلوم می شود که خطاب در آیه شریفه «یا أَیُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نیز خطاب قانونی نیست و خطاب مختص مؤمنین است.

شامل همه مردم حتی غیر مؤمنین نیز بشود می بایست تمامی خطابات فوق را خطاب قانونی دانست در حالیکه می دانیم چنین نیست.

حاکم اسلامی؛ لزوم اطاعت کفار

شمول حکم اطاعت از حاکم نسبت به غیر مؤمنین بنا به قاعده اشتراک در تکلیف است؛ به عبارت دیگر در مورد اطاعت از حاکم اسلامی و در بحث حکومت و ولایت قاعده اشتراک در تکلیف را به حکم آیه شریفه مبنی بر لزوم اطاعت از اولوالامر ضمیمه می کنیم و از آن لزوم اطاعت کفار - یعنی غیر مؤمنینی که در جامعه اسلامی زندگی می کنند - از حاکم اسلامی را نتیجه می گیریم.

خطاب «اطیعوا...»؛ حال و گذشته

در طول بیش از هزار سال در جامعه اسلامی حکومت وجود داشت و مؤمنان نیز اطاعت می کردند بدون اینکه حاکم مشروع اسلامی وجود داشته باشد. امروزه نیز خطاب «اطیعوا...» نسبت به مؤمنان وجود دارد و آنها موظف به اطاعت از حاکم اسلامی هستند؛ همچنانکه غیر مؤمنین نیز از باب قاعده اشتراک در تکلیف وظیفه اطاعت دارند.

سوال و جواب؛ حیثیت واحد خطاب

سوال؛ آیا می توان دو حیثیت برای خطاب قائل شد؟ به این تفصیل که بگوییم گاهی حکومت اسلامی دائر است و گاهی نیز حکومت اسلامی استقرار ندارد؛ آنگاه که در جامعه حکومت اسلامی مستقر باشد چنین خطابی را از سنخ خطاب قانونی بدانیم و در غیر این صورت آن را یک خطاب اختصاصی بدانیم.

جواب؛ خیر. نمی توان برای یک خطاب حیثیت دوگانه به این نحو قائل شد. خطابی که از متکلم صادر می شود دارای ملاک است و چنین نیست که از متکلم خطابی صادر شود و این خطاب در یک زمان خاص متعلق آن همه مردم باشد و در زمان دیگر متعلق آن بعض مردم باشد.

کلام «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» از متکلم یعنی خدای متعال صادر شده است و این کلام یک خطاب است؛ در خطاب الا و لابد می بایست مخاطب معلوم باشد؛ خطاب را در جلسه قبل رو در روی و مشافهه معنا کردیم و گفتیم که به خاطر همین رو در روی، مخاطب برای متکلم معلوم است.

اگر در زمان غیبت و عدم برپایی حکومت اسلامی مخاطب، جامعه ایمانی و مؤمنین باشد آیا ممکن است در زمان حضور، مراد متکلم دگرگون شود و مخاطب کلام او نسبت به آنچه پیش از آن بوده است تغییر کند؟ طبعاً خیر.

اشکال و جواب؛ تکلیف کفار به فروع

اشکال؛ اگر کافر اسلام اختیار کند و مسلمان شود نیازی نیست عبادات فوت شده در زمان کفر را قضاء کند. از این رو خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و خطابات که مشتمل بر حکم به فروع است را نمی

توان متوجه کفار دانست؛ نه به اعتبار اصل خطاب و نه به استناد قاعده اشتراک در تکلیف و یا هر قاعده دیگری.

جواب؛ خیر. خطاب به آنها تعلق گرفته است و کفار مکلف به فروع و موظف به انجام عباداتی هستند که از آنها فوت شده است؛ اما قاعده «جبر» این لزوم را از آنها بر می دارد. بنا به قاعده جبر، اسلام، ماقبل خود را جبران می کند یعنی آنچه پیش از اختیار اسلام از آنها فوت شده است مورد عفو قرار می گیرد.

اشکال و جواب؛ مخاطب خطاب قرآنی: جامعه ایمانی

اشکال؛ اما اگر حکومت اسلامی استقرار پیدا کند همین خطابات - یعنی خطاباتی از قبیل «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» - به عنوان قانون حکومتی خواهد بود.

جواب؛ بله قطعاً همینطور است؛ اما بحث ما در خطاب است. تمام بحث در این است که آیا خطاب به غیر مؤمنین جامعه تعلق می گیرد به نحوی که بی نیاز از ضمیمه کردن قاعده اشتراک در تکالیف باشیم یا اینکه خطاب به غیر مؤمنین تعلق نمی گیرد و برای شمول خطاب نسبت به جامعه غیر ایمانی لازم است قاعده اشتراک را به آن ضمیمه کنیم؟

اشکال؛ قاعده اشتراک در تکلیف یکی از احکام ما است؛ در جامعه ای که تحت حکومت اسلامی اداره می شود غیر مسلمانان نیز بخشی از شهروندان جامعه محسوب می شوند. وقتی خطاب «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، خطاب به این جامعه صادر می شود غیرمسلمانان نیز به اعتبار اینکه حکومت اسلامی را پذیرفته اند و تحت همین حاکمیت و در ذیل جامعه ایمانی زندگی می کنند، مخاطب آن خواهند بود.

جواب؛ وقتی خطاب «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» صادر می شود مخاطب آن جامعه ایمانی بما هو جامعه است نه تک تک افراد مؤمن؛ در واقع جامعه بدون نظر به اعتقادات، مخاطب این خطاب است. به عبارت دیگر خطاب گاهی به جامعه ایمانی بما هو جامعه است و گاهی به افراد جامعه ایمانی با نظر به ایمان و اعتقاد آنها. خطاباتی از قبیل «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» از قبیل نوع دوم خطاب است.

هرگاه خطاب به جامعه بما هو جامعه تعلق گرفته باشد در این صورت چه شخص مؤمن باشد و چه غیر مؤمن، خطاب به او تعلق می گیرد. خطاب «اطيعوا» از سنخ خطاب به جامعه بما هو جامعه است و از سنخ خطاب به افراد مؤمن جامعه ایمانی نیست و بالعکس خطاب «کتب علیکم الصیام» از سنخ خطاب به افراد مؤمن است و نه از سنخ خطاب به جامعه.

از این رو «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» نیز در دو آیه شریفه «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» و «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» با یکدیگر متفاوت است. در اولی خطاب از نوع انحلالی است و به تعداد افراد جامعه منحل می شود ولی در دومی انحلالی نیست بلکه خطاب به جامعه است و طبعاً در این صورت تنها اگر همه مردم از حاکم اطاعت کنند می توان گفت اطاعت محقق است.

اشکال؛ ما اگر بخواهیم نظام سازی کنیم چاره ای جز این نیست که مجموعه اوامر و نواهی را در نظر بگیریم؛ از این رو باید خطابات را متوجه تمام جامعه اعم از مؤمنین و غیر مؤمنین دانست تا در نتیجه آن بتوان نظام فراگیر را تشکیل داد.

جواب؛ اولاً بحث ما در نظام سازی نیست بلکه چنانکه گفتیم در این است که بدانیم در خطابات قرآنی، مخاطب چه کسی است. ثانیاً نظام فراگیر ممکن است با قاعده اشتراک در تکلیف نیز حاصل شود بدون اینکه نیاز باشد خطاب را متوجه کل جامعه بدانیم. ثالثاً آن نظامی که می بایست فراگیر باشد نظام حکومتی است ولی نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و غیره لازم نیست فراگیر باشد.

اشکال؛ می دانیم کفار در جامعه اسلامی ملزم هستند ظاهر را رعایت کنند و در ماه مبارک از روزه خواری در انظار عمومی خودداری کنند؛ می توان گفت با توجه به این احکام یعنی عدم جواز حرمت شکنی و لزوم حفظ ظاهر، خطاباتى همچون «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام» خطاب عمومی است و نه فقط خطاب به مؤمنین.

جواب؛ اگر فرضاً شخص مسیحی در جامعه اسلامی در ماه مبارک حرمت شکنی کند به او حد روزه خواری زده نمی شود بلکه به خاطر تجاهر حد زده می شود؛ از اینجا معلوم می شود که اگرچه حکم روزه داری شامل آنها نیز می شود اما خطاب «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام» به آنها تعلق نگرفته است.

قاعده تغلیب و عمومیت استناد

بحث در این است که **خطاب «یا ایها الذین آمنوا»** آیا فقط مؤمنین را مخاطب قرار داده است یا عموم شهروندان جامعه اسلامی را اعم از مؤمن و غیر مؤمن؟ اگر ادعا کنیم که عموم شهروندان را مخاطب قرار داده است، جای این پرسش است که به چه دلیل؟ در جواب می گوییم **بنا به قاعده تغلیب، چنین خطابی اگرچه به ظاهر فقط متوجه مؤمنین است ولی غیر مؤمنین را نیز شامل می شود؛ به عبارت دیگر عمومیت خطاب در اینجا به استناد قاعده تغلیب است.**

سوال و جواب

سوال؛ آیا خطاباتى که با غیر صیغه امر وارد شده است نیز داخل در بحث است؟ مثل خطاب «کتب علیکم الصیام».

جواب؛ فرقی از این حیث وجود ندارد. بحث ما درباره خطاب است و نه در اوامر. در مثل این موارد ولو اینکه صیغه امر مخاطب در کلام وجود ندارد اما خطاب وجود دارد؛ چون می فرماید: «علیکم».

نکته پایانی؛ ملخص کلام

خلاصه اینکه خطابات قرآنی غیرمؤمنین را شامل نمی شود و اگر برخی خطابات از قبیل «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» را متوجه غیر مؤمنین می دانیم، یا به استناد قاعده تغلیب است و یا با تمسک به این استدلال است که خطاب متوجه جامعه بما هو جامعه است و نه فقط مؤمنین. با این حال برخلاف امور حکومتی در اموری که حیثیت و اغراض شخصی دارند خطابات را نمی توان فراگیر دانست؛ مگر اینکه معونه و قرینه جدی بر عمومیت آن داشته باشیم. /223/907/م و صلی الله علی سیدنا محمد و آل محمد

تقریر: جلال الدین زنگنه

[1] شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج6، ص438، ج11، ص29، ج16، ص230، ج19، ص417، ج24، ص61 و ...

[2] تبریزی، غلامحسین، أصول مهذبة (خلاصة الأصول) - مشهد مقدس، چاپ: دوم، ص51- 50